

بررسی مبانی روایی باور به چشم زخم

اسماعیل اثباتی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵

چکیده

باور به تأثیر چشم زخم از باورهای مشترک بین فرهنگ‌های مختلف است. به موازات این باور، عده‌ای نیز آن را در زمره باورهای عامیانه و خرافی دانسته‌اند که مبنای علمی مقبولی برای آن وجود ندارد. روایات متعددی در منابع روایی شیعه مرتبط با این موضوع به چشم می‌خورند. در مقاله حاضر، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - توصیفی به کاوش درباره روایاتی پرداخته شده است که از حقانیت چشم زخم دفاع کرده‌اند. این روایات در منابع متقدم به ندرت یافت می‌شوند. طب الانمه^۲ و مکارم الاخلاق سهم بسزایی در گسترش روایات چشم زخم در منابع شیعی داشته‌اند. بخش قابل توجهی از این گزارش‌ها از منابع اهل سنت وارد میراث حدیثی شیعه شده است و بخشی از آن‌ها هم به معصومان^۳ مستند نشده و حدیث به شمار نمی‌روند. بیشتر روایات مربوط به چشم زخم از نظر سندی ضعیف هستند. تنها یک روایت صحیح‌السند درباره چشم زخم وارد شده است که دلالت این روایت محل تردید است. از این رو، بر مبنای متأخران، دلیل کافی برای پذیرش روایات چشم زخم وجود ندارد و پذیرش این روایات بر مبنای متقدمان نیز با دشواری‌هایی مواجه است. **کلیدواژه‌ها:** چشم زخم، روایات شیعه، بررسی سندی، اعتبارسنجی روایات، منبع‌شناسی.

۱. درآمد

یکی از باورهای رایج در میان فرهنگ‌ها و اقوام گوناگون در سرتاسر جهان، باور به تأثیر چشم زخم است.^۲ از دیرباز عده‌ای این باور را در زمره باورهای خرافی قلمداد کرده و برخی آن

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (csbati@atu.ac.ir).

۲. چشم زخم، ص ۳۳۰.

را واقعیتی انکارناپذیر تلقی کرده‌اند.^۱

در جوامع مذهبی، نحوه مواجهه دین با این باور نیز محل سؤال واقع شده است و هر گروه تلاش کرده نظر خود را مطابق با دین قلمداد کند. مشهورترین نظر در میان علمای مسلمان، پذیرش پدیده چشم‌زخم است. آنان برای اثبات مدعای خود، علاوه بر تجربیات شخصی افراد گوناگون، به برخی آیات قرآن و روایات استناد می‌کنند؛^۲ از جمله، علت توصیه حضرت یعقوب (ع) به فرزندانش برای وارد شدن از درهای متعدد به مصر،^۳ دلیل شکست ابتدایی مسلمین در جنگ حنین^۴ و منظور از حسدورزی حاسدان در سوره فلق^۵ مرتبط با چشم‌زخم دانسته شده‌اند.

نگارنده در پژوهشی مستقل نشان داده است که این استدلال‌ها ضعیف بوده و قابل استناد نیستند.^۶

همچنین نزول آیه «و ان یکاد» را مربوط به ماجرای تلاش مشرکان برای آسیب زدن به پیامبر با کمک گرفتن از افرادی شورچشم دانسته‌اند و این آیه را حرزی در برابر چشم‌زخم به شمار آورده‌اند؛ در حالی که گزارش نزول آیه در باره چشم‌زخم مستند به روایتی بدون سند و بی‌اعتبار در منابع اهل سنت است. از طرفی، روایاتی در منابع شیعه با سندهای معتبر وارد شده که نزول آیه را مرتبط با مسئله امامت دانسته است.

باورهای پیشینی مفسران درباره چشم‌زخم و مشهور شدن روایت مورد اشاره باعث شده تعبیر «ازلاق به ابصار» در تفاسیر به آسیب ناشی از چشم‌زخم تفسیر شود؛ در صورتی که در فرهنگ عرب برای اشاره به چشم‌زخم از این عبارت استفاده نمی‌شود و این عبارت درصدد بیان شدت غضب و خشم مشرکان نسبت به پیامبر اکرم (ص) است.

استفاده از آیه «و ان یکاد» برای دفع چشم‌زخم نیز منتسب به قول حسن بصری است که در برخی منابع متأخر، به اشتباه، به امام حسن (ع) منتسب شده است.^۷

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۶۷؛ ج ۶، ص ۱۶۷.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۸۸.

۳. سوره یوسف، آیه ۶۷.

۴. سوره توبه، آیه ۲۵.

۵. سوره فلق، آیه ۵.

۶. «بررسی مبانی قرآنی اعتقاد به چشم‌زخم»، ص ۹-۳۵.

۷. «واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه و ان یکاد برای دفع چشم‌زخم»، ص ۱۸۱-۲۱۳.

با وجود پژوهش‌های صورت گرفته درباره ارتباط آیات قرآن با چشم زخم، روایات مربوط به این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

علی‌رضا ملاحسنی در کتاب چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ به این موضوع پرداخته شده است، اما نویسنده برای بررسی روایات از منابع متأخر استفاده کرده و به میزان اعتبار روایات توجهی نداشته است و روایات این موضوع را بدون بررسی‌های علمی پذیرفته است. علاوه بر این، همه روایات این موضوع نیز گردآوری نشده است.

در نوشتار حاضر، روایات این موضوع گردآوری و کهن‌ترین و اصلی‌ترین منبع شناخته شده هر روایت مشخص شده است. علاوه بر آن، میزان اعتبار روایات با توجه به سند روایت و میزان اعتبار منبع، مورد ارزیابی قرار گرفته است. از مزایای دیگر این نوشتار تلاش برای ردیابی روایات در طول زمان است که مشخص می‌کند این روایت از چه منبعی وارد منابع دیگر شده است. در نهایت، تلاش می‌شود با توجه به معیارهای ارائه شده در دانش حدیث، تحلیلی از روایات این موضوع ارائه شود.

روایات چشم زخم را می‌توان در دو دسته کلی «حقانیت چشم زخم» و «پیشگیری و درمان چشم زخم» جای داد.

نوشتار حاضر روایات دسته اول را در منابع شیعی بررسی می‌کند، اما از آن‌جا که روایات دسته دوم نیز دلالت ضمنی بر حقانیت چشم زخم دارند، ناگزیر به اجمال به آن‌ها نیز پرداخته شده است.

۲. روایات حقانیت چشم زخم

روایات متعددی در منابع شیعی از باور به حقانیت چشم زخم دفاع می‌کنند.

۲-۱. چشم قاتل

علامه مجلسی از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمود:

إِنَّ الْعَيْنَ لَتَدْخُلُ الرَّجُلَ الْقَبْرَ، وَتَدْخُلُ الْجَمَلَ الْقَدْرُ^۱

همانا چشم [زخم] مرد را در قبر و شتر را در دیگ وارد می‌کند.

قدیمی‌ترین منبع شیعی این روایت، مکارم الاخلاق طبرسی است^۲ که چندان اهمیتی

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴، ج ۹۲، ص ۱۲۹ و ۱۳۲. همچنین رک: معارج الیقین فی اصول الدین، ص ۴۴۳، که بدون سند و منبع نقل کرده است.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۳۸۶.

برای ذکر منبع و سند روایت قائل نیست و حتی گزارش‌های متعددی را که روایت نیستند، از منابع نامشخص نقل کرده است.^۱ این روایت از منابع اهل سنت وارد فرهنگ حدیثی شیعه شده است.^۲

مجلسی از المصباح کفعمی، از پیامبر ﷺ نقل کرده که:

أَنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ، وَأَنَّهَا تَدْخُلُ الْجَمْلَ وَالثَّوْرَ النَّتُورَ.^۳

این روایت در المصباح و منبع دیگری یافت نشد.

۲-۲. فراتر از قضا و قدر

این روایت به چند شکل نقل شده است. پیامبر اکرم ﷺ

وَجَاءَ فِي الْخَيْرِ: أَنَّ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، إِنَّ بَنِي جَعْفَرٍ تُصِيبُهُمُ الْعَيْنُ، فَأَسْتَرْفِي لَهُمْ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَلَوْ كَانَ شَيْءٌ يُسَبِّقُ الْقَدَرَ لَسَبَقَتْ الْعَيْنُ؛^۴

اسماء بنت عمیس گفت: ای رسول خدا ﷺ فرزندان جعفر مبتلا به چشم می‌شوند. آیا برای آن‌ها رقیه^۵ فراهم کنم؟ پیامبر فرمود: بله، اگر چیزی بر قدر پیشی می‌گرفت، چشم زخم بود.

علامه مجلسی این روایت را از جامع الاخبار سبزواری و او نیز از منابع اهل سنت گرفته است.^۶ در بحار الانوار، از مکارم الاخلاق، از امام صادق علیه السلام روایت شده که:

لَوْ كَانَ شَيْءٌ يُسَبِّقُ الْقَدَرَ سَبَقَتْهُ الْعَيْنُ.^۷

اما علامه در مرآة العقول آن را به پیامبر منتسب کرده است.^۸

این روایت، به این صورت، در مکارم الاخلاق یافت نشد و به اشتباه به امام صادق علیه السلام منتسب شده است.

۱. درباره این کتاب و روایات طبی آن، رک: «منبع‌شناسی و اعتبارسنجی دعاهاى طبی»، ص ۱۸-۱۹.

۲. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۲۴۴؛ الکامل (ابن عدی)، ج ۵، ص ۱۸۵؛ ج ۶، ص ۴۰۷.

۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۷.

۴. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۶ و ج ۹۲، ص ۱۳۲.

۵. تعویذ برای درمان بیماری‌ها.

۶. معارج الیقین فی اصول الدین، ص ۴۴۳ را مقایسه کنید با: المنتخب من ذیل المذیل من تاریخ الصحابه و التابعین، ص ۷۱ و التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج ۱۸، ص ۱۷۲-۱۷۵.

۷. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۶، مکارم الاخلاق، ص ۴۱۴ (با اندکی اختلاف).

۸. مرآة العقول، ج ۱۰، ص ۱۶۸.

طبرسی در مجمع البیان این بخش را به عنوان بخش دوم روایت قبلی، به واسطه منابع اهل سنت، از پیامبر ﷺ نقل کرده است.^۱

منابع اهل سنت نیز این روایت را به عنوان بخش دوم روایت قبلی از پیامبر گزارش کرده‌اند.^۲
منابع متأخر شیعی نیز آن را به عنوان بخشی از همان روایت نبوی و بدون سند نقل کرده‌اند.^۳
ابن ابی جمهور احسائی از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمود:

الْعَيْنُ حَقٌّ، وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ سَابَقَ الْقَدَرَ سَبَقَهُ الْعَيْنُ، وَإِذَا اغْتَسَلْتُمْ فَأَغْسِلُوا؛^۴

چشم [زخم] حق است و اگر چیزی بر قدر پیشی می‌گرفت، چشم بود. و هرگاه از شما خواستند [برای دفع اثر چشم زخم] غسل کنید، پس غسل کنید.

این روایت - که بدون منبع و سند نقل شده - از منابع اهل سنت گرفته شده است.^۵

۲-۳. چشم زخم قله‌ها را فرو می‌ریزد

سید رضی بدون سند و منبع از پیامبر ﷺ نقل کرده است:

الْعَيْنُ حَقٌّ، تَسْتَنْزِلُ الْحَالِقَ.^۶

او این تعبیر مجازی را نشان دهنده شدت تأثیر چشم زخم دانسته، به حدی که حالق (قله کوه) را نیز فرو می‌ریزد.

این روایت در منابع اهل سنت نقل شده است.^۷ مجلسی نیز بدون منبع و سند روایت را به شکل «العين تنزل الحالق» نقل کرده است که به این صورت در منبع دیگری یافت نشد.^۸

۲-۴. چشم زخم و فال حق است

در نهج البلاغه چنین آمده است:

الْعَيْنُ حَقٌّ، وَالرُّقْيُ حَقٌّ، وَالسَّحْرُ حَقٌّ، وَالْفَالُ حَقٌّ؛ وَالطَّيْرَةُ لَيْسَتْ بِحَقٍّ، وَالْعَذْوَى

۱. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۱۰۰.

۲. مسند ابی حنیفه، ص ۱۸۲.

۳. تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۲۱۶.

۴. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۶۹.

۵. به عنوان نمونه رک: صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴؛ سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۶۸.

۶. المجازات النبویه، ص ۳۶۷-۳۶۹.

۷. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۷۴ و ۲۹۴؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۳۷ که این روایت را غریب می‌داند.

۸. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۷. البته در همین جلد (ص ۶) مانند سید رضی نقل کرده است.

لَيْسَتْ بِحَقٍّ؛ وَالطَّيِّبُ نُشْرَةٌ، وَالْعَسَلُ نُشْرَةٌ، وَالرُّكُوبُ نُشْرَةٌ، وَالتَّنْظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ نُشْرَةٌ؛^۱
چشم زخم راست است و افسون راست است و سحر راست است و تفأل راست است.
فال بد زدن راست نیست. سرایت بیماری از یکی به دیگری راست نیست. بوی خوش
بیمار را بهبود بخشد و عسل بیماری را بهبود بخشد و سواری بیماری را بهبود بخشد و
نظر به سبزه بیماری را بهبود بخشد.

این روایت به این صورت در هیچ یک از منابع شیعه و اهل سنت یافت نشد. تنها بخش
دوم حدیث (الطیب نشره...) به امام علی (ع) منتسب شده است.^۲ بخش های مجزای این
حدیث در منابع گوناگون آمده است که چون خارج از موضوع این نوشتار است، به آن
پرداخته نمی شود.

روایتی با این مضمون در کتاب الجعفریات، از قول رسول خدا (ص) آمده است:

لَا عَدْوَى، وَلَا طَيِّرَةَ، وَلَا هَامَ، وَالْعَيْنُ حَقٌّ، وَالْفَالُ حَقٌّ.^۵

این کتاب از آن اسماعیل بن موسی بن جعفر (ع) است و درباره اعتبار این کتاب اختلاف
نظرو وجود دارد، اما میرزای نوری بر آن اعتماد کرده است.^۶

قاضی نعمان مغربی، بدون ارائه سند، این روایت را منتسب به پیامبر (ص) کرده است:

وَعَنْهُ (ص) أَنَّهُ قَالَ: لَا عَدْوَى، وَلَا طَيِّرَةَ، وَلَا هَامَ، وَالْعَيْنُ حَقٌّ، وَالْفَالُ حَقٌّ، فَإِذَا نَظَرَ
أَخَذَكُمْ إِلَى إِنْسَانٍ أَوْ دَابَّةٍ أَوْ إِلَى شَيْءٍ حَسَنٍ فَأَعْجَبَهُ فَلْيَقُلْ: آمَنْتُ بِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَإِنَّهُ لَا تَضُرُّعَيْنَهُ.^۷

دیگران نیز معمولاً از این دو منبع نقل کرده اند،^۸ اما روایات مشابه این روایت در منابع اهل
سنت، از ابوهریره نقل شده است.^۹

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۰۰.

۲. عبون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۴۴.

۳. طیره، فال بد زدن و شوم پنداشتن چیزی است عرب ها گاهی با دیدن چیزی آن را شوم می پنداشتند. شریعت آن را
نهی کرده و در روایت آمده که به آن توجه نکن و کارت را دامه بده (النهایه، ج ۳، ص ۱۵۲).

۴. فال خوب ناشی از حسن ظن به خدا و فال بد (طییر) ناشی از سوء ظن به خداست (همان، ج ۳، ص ۴۰۵).

۵. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۲۰.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۵.

۷. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۱؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۸ با اختلاف اندک.

۸. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۷۸.

۹. تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۸، ص ۲۷۷.

«هامه» پرنده کوچک شب‌پره‌ای بود که بیشتر در قبرستان‌ها دیده می‌شد.^۱ عرب‌ها بر این باور بود که روح مردگان به این صورت درآمده است. «هام» جمع «هامه» است.^۲ به نظر می‌رسد همین معنا در حدیث «لا عدوی، ولا طيرة، ولا هام» مورد نظر است. عرب‌ها بر این باور بودند که در شکم انسان ماری است که «صفر» نامیده می‌شود. وقتی انسان گرسنه می‌شود این مار انسان را اذیت می‌کند. روایت «لا عدوی، ولا هامه، ولا صفر» به این مسئله اشاره دارد.^۳

معنای دیگر «هامه» موجود سمی کشنده است که جمع آن «هوام» است و «سامه» به گزندگان سم‌داری گویند که سم آن‌ها کشنده نیست، مانند زنبور. گاهی نیز هامه به هر حیوان نیش‌زننده‌ای گفته می‌شود.

در تعویذ پیامبر ﷺ برای حسنین (علیه السلام) آمده است:

أُعِذُّكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٍ.^۴

اما در روایت مورد بحث نمی‌توان «لا هام» را حیوان سمی ترجمه کرد، چون علاوه بر این که معنای صحیحی ندارد، عبارت «هام» وارد شده در روایت، نه «هامه». یکی از نکاتی که پذیرش این روایت را با تردید مواجه می‌کند، عبارت «لا عدوی» است که سرایت بیماری را انکار کرده است؛ در حالی که این موضوع درباره بیماری‌های واگیردار صادق نیست.^۵

۲-۵. اصلی‌ترین عامل مرگ و میر

در طب الائمه چنین آمده است:

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: اگر قبرها برای شما شکافته شود، خواهید دید که اکثر مردگانتان با چشم زخم مرده‌اند؛ زیرا که چشم زخم حق است. همانا رسول خدا ﷺ فرمود: چشم حق است. کسی که چیزی از برادرش او را به شگفتی واداشت، در آن (زمان) خدا را یاد کند، به راستی که اگر خدا را یاد کند به او ضرر نمی‌رساند.^۶

۱. تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۲، ص ۶۲۵.

۲. لسان المیزان، ج ۱۲، ص ۶۲۴.

۳. النهایه، ج ۳، ص ۳۵.

۴. همان، ج ۵، ص ۲۷۵.

۵. «حدیث لا عدوی، انتساب و مفهوم شناسی»، ص ۳-۲۵.

۶. طب الائمه (علیه السلام)، ص ۱۲۱.

این روایت تنها از این طریق نقل شده است.^۱ طب الائمه^{علیهم السلام} کتاب معتبری نیست و اشکالات متعددی بر آن وارد است.^۲ بخش اول روایت تنها در همین منبع آمده است، اما مضمون روایت در منابع اهل سنت وارد شده است.^۳ ملافتح الله کاشانی می نویسد:

در خبر است که روزی رسول^{صلی الله علیه و آله} در گورستان بقیع میگذشتند فرمود که به خدا سوگند که اکثر اهل این قبور بسبب چشم در این جا خسیده اند.^۴

این روایت در منابع شیعی یافت نشد. در منابع اهل سنت روایت شده که پیامبر^{صلی الله علیه و آله} فرمود:

بیشتر افرادی که در امت من می میرند، بعد از کتاب خدا و قضا و قدرش، به خاطر نفس ها است.

یکی از علمای اهل سنت آن را به صورت مرگ بر اثر چشم زخم تفسیر کرده است.^۵ این برداشت با روایات دیگر تقویت می شود؛ مانند:

أكثر من يموت من أمتي بعد قضاء الله وقدره بالعين.

یا

نصف ما يحفر لأمتي من القبور من العين.^۶

این باور در میان یهودیان رایج بود و در تلمود بابلی از منابع یهودی گفته شده که نود و نه نفر از چشم بد می میرند و در برابر آن، یک نفر در اثر مرگ طبیعی می میرد.^۷ پذیرش این روایات، علاوه بر اشکالات سندی و ضعف منبع، از نظر مضمونی نیز با اشکال مواجه است. اگر چشم زخم عامل اکثر مرگ و میرها باشد، در این صورت انتظار می رود گزارش های مربوط به ابتلای افراد به چشم زخم و مرگ آن ها در طول ۲۵۰ سال از عصر

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۵؛ ج ۹۲، ص ۱۲۷.

۲. در این باره رک: «سندسازی های طب الائمه^{علیهم السلام}»، ص ۲۱۳-۱۸۵. همچنین رک: «منبع شناسی و اعتبارسنجی دعاهای طبی»، ص ۱۶-۱۷.

۳. مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۰۷.

۴. منهج الصادقین، ج ۹، ص ۳۹۱.

۵. قال البزار: یعنی بالعین (مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۰۷؛ كشف الخفاء، ج ۱، ص ۱۶۵).

۶. مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۰۷.

۷. بازمانده هایی از فرهنگ دوران جاهلی در تمدن اسلامی، ص ۹۶.

حضور معصومین علیهم السلام فراوان باشد، در حالی که در منابع، هیچ روایتی که مرگ شخص خاصی را به دلیل چشم زخم عنوان کرده باشد، یافت نشد و گزارش های مربوط به ابتلای افراد که منجر به مرگ آن ها نشده نیز به تعداد انگشتان دست نمی رسد.

۶-۲. ابتلای حسنین علیهما السلام به چشم زخم

۶-۲-۱. جبرئیل علیه السلام روزی پیامبر صلی الله علیه و آله را غمگین دید و از او علت را جویا شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حسنین علیهما السلام مبتلا به چشم زخم شده اند. جبرئیل گفت: ای محمد، چشم زخم را تصدیق کن؛ چون چشم زخم حق است. سپس تعویذی برای دفع آن به پیامبر آموخت و حسنین علیهما السلام بهبود یافتند. پیامبر فرمود: زنان و کودکان را با این تعویذ در امان نگاه دارید:

اللهم، یا ذا السلطان العظیم، و المن القدیم، و الوجه الکریم، یا ذا الکلمات التامات، و الدعوات المستجابات، عاف الحسن و الحسین من أنفس الجن و أعین الانس.^۱

ابن طاووس این دعا را از کتاب «الأدعية المروية من الحضرة النبوية» اثر سمعانی (م ۵۶۲ق) - که از عالمان اهل سنت است - با واسطه راویان اهل سنت، از امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند.^۲ دیگران نیز به تبعیت از ابن طاووس این گزارش را نقل کرده اند.^۳ این روایت در منابع اهل سنت آمده و نسبت به سند آن ایراداتی وارد شده است.^۴

۶-۲-۲. شیخ کلینی نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله حسنین علیهما السلام را بر روی پاهای خود نشانده و دعایی برای آن ها می خواند و می فرمود: ابراهیم علیه السلام این چنین برای اسماعیل و اسحاق علیهما السلام تعویذ می خواند.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ، عَنِ الْقَدَّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: رَفَى النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله حَسَنًا وَحُسَيْنًا، فَقَالَ: «أُعِيدُكُمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ وَأَسْمَائِهِ الْحُسْنَى كُلِّهَا عَائِمَةً، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لَأَمَةٍ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»؛ ثُمَّ التَفَتَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله إِلَيْنَا، فَقَالَ: هَكَذَا كَانَ يُعَوِّذُ إِبْرَاهِيمُ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ عليهما السلام؛^۵

۱. المجتبی من دعاء المجتبی، ص ۹۲-۹۳.

۲. کتابخانه ابن طاووس، ص ۱۶۸.

۳. جنة الأمان (المصباح)، ص ۲۲۰.

۴. تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۴، ص ۴۶۱.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۵۶۹ (ترجمه از آیه الهی).

از امام صادق علیه السلام روایت شده که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را رقیه نمود (تعویذ نمود). پس فرمود: «پناه دهم شما را به کلمات تاقه خدا و به اسماء حسنی که همه عمومی هستند، از شر زهرداران و گزنده‌های کشنده و از شر هر چشم بد و از شر حسود هنگام حسد». سپس پیامبر صلی الله علیه و آله روبرو ما کرد و فرمود: «شیوه ابراهیم علیه السلام این بود که اسماعیل و اسحاق علیهما السلام را این چنین در پناه خدا قرار می‌داد».

روایت شیخ کلینی به علت وجود راوی ناشناس «بعض اصحابه» ضعیف السند است.
۲ - ۶ - ۳. شیخ صدوق این روایت را با اندکی اختلاف نقل کرده است.

و روی العلاء، عن محمد بن مسلم، عن أحدهما علیهما السلام قال: لا يدع الرجل أن يقول عند منامه: «أعِذْ نفسي وذيتي وأهل بيتي ومالي بكلمات الله التامات من كل شيطان وهامة ومن كل عين لامة»، فذلك الذي عوذ به جبرئيل عليه السلام الحسن والحسين عليهما السلام.^۱

طریق شیخ صدوق به روایات علاء بن رزین صحیح است.^۲ با توجه به وثاقت محمد بن مسلم^۳ این روایت صحیح السند است.

روایت با اندکی اختلاف در سند، در کتاب طب الائمه علیهم السلام و به تبعیت از آن، در مکارم الاخلاق نیز گزارش شده است.^۴

در منابع اهل سنت هم این روایت گزارش شده است.^۵ برخی از شیعیان نیز از منابع اهل سنت این روایت را اخذ کرده‌اند.^۶

در روایت دوم و سوم اشاره‌ای به ابتلای حسنین علیهما السلام به چشم‌زخم نشده است و تنها عبارت «عین لامة» در متن دعا باعث می‌شود که این روایات را در زمره روایات مرتبط با چشم‌زخم بدانیم.

«لَمَم» به معنای جنون است و «رجل ملموم» به معنای کسی است که در اثر تماس جن، مجنون شده است. «عین لامة» به معنای چشمی است که بدی می‌رساند یا هر چیز ترسناک

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۷۰.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۶۱؛ خلاصة الاقوال، ص ۴۳۹.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۲۴.

۴. طب الائمه، ص ۱۱۹؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۲۸.

۵. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۳۶ و ۲۷۰؛ صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۱۹.

۶. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۸۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۵۵.

مانند شروفع است.^۱ براین اساس، دعا را می توان به دو گونه معنا کرد: پناه بردن به خدا از چشم زخم یا پناه بردن به خدا از هر چیز ترسناک و شر.

از امام صادق (ع) درباره سخن رسول خدا (ص) سؤال شد که: پناه می برم به تو از شر سامه و هامه و عامه و لامه، فرمودند: سامه (یعنی) نزدیکان، هامه موجودات نیش زننده زمین و لامه جنون ناشی از شیاطین و عامه یعنی عامه مردم.^۲

براساس این روایت، معنای «لامه»، جنون ناشی از شیطان است؛ یعنی در دعای مشهور نبوی، ایشان حسنین (ع) را از شر شیطان و آسیب های آن در پناه خدا قرار می داد؛ اما از آن جا که باور به تأثیر چشم زخم باوری رایج بود، برداشت مردم از عبارت «لامه و عین لامه» چشم زخم بود. این دعا با اندکی اختلاف در روایات دیگری نیز وارد شده است. طبرسی، بدون ذکر سند و منبع، از ابوامامه از پیامبر نمازی را برای درمان جمیع بیماری ها نقل کرده به این صورت که با زعفران داخل یک ظرف تمیز مطالب زیر را می نویسی:

أعوذ بكلمات الله التامة وأسماؤه الحسنی كلها عامة من شر السامة والهامة ومن شر العين اللامة ومن حاسد إذا حسد.

و بخش هایی از قرآن، شامل سوره حمد، توحید، معوذتین و... سپس ظرف را سه بار می شویی، وضو می گیری، از آن کمی در دهان می چرخانی، به صورت و بدنت می مالی. سپس دو رکعت نماز می خوانی و از خدا طلب شفا می کنی و این کار را سه روز انجام می دهی.^۳

در منابع اهل سنت، ابوامامه از پیامبر (ص) تعویذ هایی نقل کرده است؛ از جمله تعویذ هایی با دعاهایی شبیه دعای مذکور در روایت طبرسی.^۴ از این رو، به نظر می رسد طبرسی دستور خواندن نماز را از منابع اهل سنت گرفته است. این عبارات در ضمن دعا های دیگری نیز به چشم می خورند.^۵

۲- ۷. جواز رقیه برای چشم زخم

از برخی روایات جواز تهیه رقیه برای چشم زخم استفاده می شود.

۱. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۵۱-۵۵۲؛ شرح أصول الكافي، ج ۱۰، ص ۴۲۷.

۲. معانی الاخبار، ص ۱۷۳.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۳۹۵.

۴. كنز العمال، ج ۱۰، ص ۶۹.

۵. به عنوان نمونه: مصباح المتهجد، ص ۲۰۴، بدون سند و منبع؛ بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۱۱ از کتابی قدیمی و ناشناخته.

۲- ۷- ۱. شیخ صدوق از ابن ولید، از صفار، از ابراهیم بن هاشم، از نوفلی، از سکونی، از امام صادق علیه السلام، از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین آورده است:

لَا رُقَى إِلَّا فِي ثَلَاثَةٍ فِي حُمَةٍ أَوْ عَيْنٍ أَوْ دَمٍ لَا يَرَقُ.^۱

این عبارت را می‌توان به صورت «رقیه جایز نیست»، یا «مؤثر نیست» ترجمه کرد. در هر صورت دلالت بر جواز استفاده از رقیه بر چشم زخم می‌کند.

نوفلی متهم به غلو است^۲ و سکونی از راویان اهل سنت است که شیعیان به روایاتش عمل کرده‌اند.^۳ از این رو، روایت صحیح‌السند نیست.

این روایت با اندکی اختلاف در کتاب الجعفریات گزارش شده است.^۴ اما این کتاب محل تردید است و برخی آن را نامعتبر دانسته و استنادش به مؤلف را ثابت شده نمی‌دانند.^۵ قاضی نعمان، بدون ذکر منبع و سند این روایت را نقل است.^۶ طبرسی و مجلسی این روایت را از منابع اهل سنت اخذ کرده‌اند.^۷ در منابع اهل سنت این روایت نقل شده است.^۸

۲- ۷- ۲. در طب الانمه علیه السلام از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

إِبْرَاهِيمُ بْنُ مَأْمُونٍ قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ عِيسَى، عَنْ شُعَيْبِ بْنِ الْعَرَفُوفِيِّ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالرُّقَى مِنَ الْعَيْنِ وَالْحُمَى وَالضَّرْسِ وَكُلِّ ذَاتِ هَامَةٍ لَهَا حُمَةٌ، إِذَا عَلِمَ الرَّجُلُ مَا يَقُولُ، لَا يَدْخُلُ فِي رُقِيَّتِهِ، وَغُذِّيَتْ شَيْئًا لَا يَغْرِهُ؛^۹

استفاده از رقیه برای چشم و تب و دندان درد و (موجود) نیش‌دار سمی اشکالی ندارد، در صورتی که شخص بداند چه می‌گوید و در تعویذ خود، چیزی که آن را نمی‌شناسد، وارد نکند.

این روایت تنها در همین منبع آمده و متأخران نیز از این منبع نقل کرده‌اند.^{۱۰} علاوه بر

۱. الخصال، ص ۱۵۸.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۷.

۳. العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۴۹؛ خلاصة الاقوال، ص ۳۱۶؛ رجال ابن داود، ص ۲۳۱.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۹۱.

۵. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۹۸.

۶. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۱؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۸.

۷. مکارم الاخلاق، ص ۳۸۶؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴.

۸. المستدرک، ج ۴، ص ۴۱۳؛ المعجم الكبير، ج ۱، ص ۲۵۴. «لا رقية إلا في نفس أو حمة أو لدغة»، يقال: أصابت فلانا نفس، أي العين (الطب النبوی، ص ۱۳۲).

۹. طب الانمه علیه السلام، ص ۴۸.

۱۰. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۳۷؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴.

ضعف کتاب، راوی حدیث، ابراهیم بن مأمون نیز فردی ناشناخته است و سند روایت ضعیف است.^۱

۲- ۸. راه جلوگیری از اثر چشم

اگر کسی احساس کرد که ممکن است با نیروی چشم خود به دیگری آسیب بزند، می‌تواند از این آسیب جلوگیری کند.

۲- ۸- ۱. تکبیر گفتن

در طب الائمه چنین آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ مَهْرَانَ، عَنْ زِيَادِ بْنِ هَارُونَ الْعَبْدِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَلِيلِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَعْجَبَهُ شَيْءٌ مِنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَلْيَكْبِرْ عَلَيْهِ فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ؛^۲

امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که چیزی از برادر مؤمنش او را به شگفتی واداشت، بر آن چیز تکبیر گوید چرا که چشم حق است.

علامه مجلسی در یکی از نقل‌ها از این کتاب، عبارت را به جای «فلیکبر» به صورت «فلیتمد» ثبت کرده است که به معنای استفاده از سرمه اتمد خواهد بود.^۳ اما در نقل‌های دیگر به صورت «فلیکبر» ثبت کرده است.^۴

مکارم الاخلاق از امام صادق عليه السلام چنین روایت کرده است:

مَنْ أَعْجَبَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَلْيَبَارِكْ عَلَيْهِ، فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ.^۵

براین اساس، بعد از دیدن نعمت شگفت‌انگیز باید به شخص تبریک گفت یا طلب برکت برای آن نعمت داشت.^۶

این معنایی است که در روایات اهل سنت بسیار به کار رفته است.^۷ اما استناد روایات

۱. مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۸۶.

۲. طب الائمه عليهم السلام، ص ۱۲۱.

۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۵.

۴. همان، ج ۹۲، ص ۱۲۷.

۵. مکارم الاخلاق، ص ۳۸۶.

۶. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۵-۲۷.

۷. المعجم الكبير، ج ۶، ص ۸۲.

اهل سنت به پیامبر ﷺ و سبب صدور خاص نقل شده در منابع اهل سنت نشان می‌دهد که روایت طبرسی از این روایات اخذ نشده، بلکه همان روایت طب الائمه است که دچار تصحیف شده است.

در روایت دیگری «فلیدکر الله» آمده است.^۱ این روایت نیز تنها از این طریق نقل شده و دیگران نیز فقط از این طریق نقل کرده‌اند.^۲ احتمال تصحیف «فلیکبر» به «فلیدکر» وجود دارد، اما افزوده‌ها و تفاوت‌های ابتدا و انتهای این روایت با روایات قبلی احتمال اتحاد روایت‌ها را تضعیف می‌کند. در روایتی، بدون سند، از طریق قاضی نعمان، از امام صادق علیه السلام نقل شده که توصیه به گفتن عبارت «آمنت بالله و صلی الله علی محمد و آله» شده است.^۳

۲ - ۸ - ۲. گفتن «ما شاء الله»

طبرسی نیز بدون ذکر سند و منبع از امام صادق علیه السلام چنین آورده است:

رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: أَلْعَيْنُ حَقٌّ وَلَيْسَ تَأْمِنُهَا مِنْكَ عَلَى نَفْسِكَ وَلَا مِنْكَ عَلَى غَيْرِكَ، فَإِذَا خَفْتَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ، فَقُلْ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ثَلَاثًا؛^۴

چشم حق است و تو در امان نیستی از آن برای خودت و نه از جانب خودت برای دیگران. پس هرگاه از آن ترسیدی، بگو: هرچه خدا بخواهد [همان خواهد شد] هیچ نیرویی نیست، مگر به واسطه خدای بلند مرتبه و بزرگ.

این روایت نیز تنها از این طریق گزارش شده است.^۵ همچنین مجلسی و کفعمی از جوامع الجامع گزارش کرده‌اند که پیامبر ﷺ فرمود:

هر کس چیزی ببیند که او را به شگفتی وادارد، سپس بگوید: الله الله، ما شاء الله، لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، چیزی به او ضرر نمی‌زند.^۶

۱. طب الائمه علیه السلام، ص ۱۲۱.

۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۵؛ ج ۹۲، ص ۱۲۷.

۳. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۱.

۴. مکارم الاخلاق، ص ۳۸۶.

۵. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۶.

۶. جنة الأمان (المصباح)، ص ۲۲۰؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۳ و با کمی اختلاف درج ۶۰، ص ۱۴.

طبرسی این گزارش را از انس و از منابع اهل سنت نقل کرده است.^۱

۸-۲ - ۳. تعویذ شیشه عطر

خُصیبی گزارش کرده که از امام جواد علیه السلام درباره عطر سؤال شد و ایشان فرمودند: برای امام رضا علیه السلام عطری تهیه شد و فضل بن سهل برای ایشان نوشت که مردم استفاده از این عطرها را بر شما عیب می‌دانند. ایشان در پاسخ به سیره انبیا و قرآن در استفاده از زینت‌های حلال استناد کرده و دستور داد عطری به چهار هزار درهم برای ایشان تهیه کنند. سپس برای حفظ آن دستور دادند که رقعۀ ای برای دفع چشم زخم تهیه کنند و فرمودند: چشم زخم حق است.^۲ حسین بن حمدان خُصیبی از بزرگان غلات نُصیریه است و رجالیان او را دروغ‌گو، فاسد‌المذهب، دارای باورهای فاسد و ملعون می‌دانند که به او توجه و اعتنایی نمی‌شود.^۳ شیخ کلینی از محمد بن ولید کرمانی روایت کرده که به امام جواد علیه السلام عرض کردم: نظر شما درباره مشک چیست؟ ایشان فرمود: پدرم دستور دادند که عطری برای ایشان تهیه شود به قیمت هفتصد درهم. فضل بن سهل اعتراض کرد و امام پاسخ داد. اما در این روایت اشاره‌ای به تعویذ نشده است.^۴ مضمونی شبیه به این درباره استفاده امام از زینت‌های دنیا، بدون اشاره به ماجرای تهیه عطر از امام رضا علیه السلام و امام صادق علیه السلام گزارش شده است.^۵ در مکارم الاخلاق برای دفع چشم زخم از امام رضا علیه السلام چنین آمده است:

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ، قَالَ: كُنْتُ مَعَ الرَّضَا علیه السلام بِخُرَاسَانَ عَلَى نَفَقَاتِهِ، فَأَمَرَنِي أَنْ أَتَّخِذَ لَهُ عَالِيَةً، فَلَمَّا اتَّخَذْتُهَا فَأُعْجِبَ بِهَا فَتَطَرَّ إِلَيْهَا، فَقَالَ لِي: يَا مُعَمَّرُ، إِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ فَأَكْتُبْ فِي رُقْعَةٍ الْحَمْدَ، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ، وَاجْعَلْهَا فِي غِلَافٍ الْقَارُورَةِ؛^۶

از معمر بن خلاد گزارش شده که همراه امام رضا علیه السلام در خراسان بودم و خریده‌های ایشان را انجام می‌دادم، به من فرمودند که برایشان عطری تهیه کنم. وقتی خریدم، با شگفتی و خوشحالی به آن نگاه کردند و فرمودند: ای معمر، چشم (زخم) حق است.

۱. جوامع الجامع، ج ۳، ص ۸۷۹؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۹۴؛ احکام القرآن، ج ۳، ص ۶۵۰.

۲. الهدایة الکبری، ص ۳۰۸-۳۰۹.

۳. رجال النجاشی، ص ۶۷؛ رجال ابن الغضائری، ص ۵۴.

۴. الکافی، ج ۶، ص ۵۱۶.

۵. همان، ج ۶، ص ۴۵۳.

۶. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۵ بدون سند.

۷. مکارم الاخلاق، ص ۳۸۶.

در پارچه‌ای حمد و توحید و معوذتین و آیه‌الکرسی را بنویس و در غلاف و جلد قاروره (شیشه عطر) قرار بده.

طبرسی این روایت را بدون ذکر سند و منبع گزارش کرده است، اما کلینی از معمر بن خلاد شبیه این روایت را گزارش کرده است که در آن اشاره‌ای به چشم‌زخم وجود ندارد.^۱ در این روایت‌ها به صراحت از چشم‌زخم و حقانیت آن سخن به میان آمده بود.

۲- ۹. سایر تعویذهای چشم‌زخم

در منابع روایی دعا‌های متعددی برای دفع اثرات چشم‌زخم وارد شده است که به طور غیرمستقیم بر حقانیت چشم‌زخم دلالت دارند. این دعاها بیشتر در طب الانمه^۲، مکارم الاخلاق و آثار سید بن طاووس گزارش شده‌اند. این دعاها بدون سند یا با سندهای ضعیف نقل شده و روایت صحیح‌السند در میان آن‌ها یافت نمی‌شود.

۲- ۹-۱. تعویذهای غیر ماثور

برخی از تعویذهای چشم‌زخم - که در منابع روایات و دعا‌های طبی آمده‌اند - مستند به هیچ یک از معصومان^۳ نشده‌اند و از این رو، روایت محسوب نمی‌شوند.^۴

۲- ۹-۲. تعویذهای مأخوذ از منابع اهل سنت

برخی از تعویذهای ذکر شده در کتاب‌های شیعیان از منابع اهل سنت نقل شده‌اند. نویسندگان گاه بدان تصریح کرده و گاهی اشاره‌ای به منبع روایت نداشته‌اند. از جمله این موارد می‌توان به حرز ابودجانه اشاره کرد که حدیث پڑوهان اهل سنت آن را ساختگی دانسته‌اند.^۵

۲- ۹-۳. نظر برگردان

در طب الانمه^۶ نقل شده که برای چشم‌زخم بخش‌هایی از قرآن و دعایی خاص خوانده می‌شود یا نوشته می‌شود و بر شخص مورد نظر آویخته می‌شود.^۷

۱. الکافی، ج ۶، ص ۵۱۶.

۲. به عنوان نمونه رک: طب الانمه^۸، ص ۱۴۰؛ مکارم الاخلاق، ص ۴۱۵؛ امان الاخطار، ص ۸۵؛ جنة الأمان (المصباح)، ص ۲۲۱.

۳. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۲۲؛ الموضوعات، ص ۱۶۸ - ۱۷۰؛ دلائل النبوة، ج ۷، ص ۱۲۰.

۴. طب الانمه^۹، ص ۱۴۰.

این گزارش بدون انتساب به معصومین علیهم السلام و بدون ارائه سند نقل شده است. در این دعا، چشم بد فردی که چشم می زند، به خود او و همچنین به نزدیک ترین افرادش مانند کبد، کلیه و اموالش بازگردانده شده است. در نهایت، دعا به آیه قصاص ختم شده است. به نظر می رسد قصاص چشم در برابر چشم که در آیه مورد اشاره قرار گرفته، در این دعا به قصاص چشم زخم در برابر چشم زخم تبدیل شده است؛ در حالی که در اصل قصاص، فقط خود شخص مورد قصاص قرار می گیرد و خانواده یا دوستان او شامل نمی شوند. از سوی دیگر، اگر چشم زخم به صورت غیرارادی باشد، نفرین فرد و درخواست بازگرداندن اثر بد چشم به او، منطقی و موجه به نظر نمی رسد.^۱

۲ - ۹ - ۴. دعاها و تعویذهای عمومی و سایر بیماری ها

گاهی در دعاها و تعویذهایی که برای درمان بیماری ها و آسیب های دیگر ذکر شده اند، تعبیری مانند «عین» و «عین سوء» به کار رفته است. این تعبیرها به صورت ضمنی بر حقانیت پدیده چشم زخم دلالت دارند؛ به عنوان نمونه، از امام باقر علیه السلام روایت شده که وقتی خون حجامت جاری شد، بگو:

...أعوذ بالله الكريم من العين في الدم، ومن كل سوء في حجامتي هذه...^۲

یا برای رقیه خواندن جهت زخم و درد بگو:

بسم الله اريقك، بسم الله الاكبر من الحد والحديد و... والعين فلاتسهه.^۳

ابن طاووس نقل کرده که امام علی علیه السلام در صفین دعایی را خواند در بخشی از آن آمده است:

اللهم انی أعوذ بك من الجن والإنس و... وأنفس الجن وأعین الإنس...^۴

۱. در این باره همچنین رک: مکارم الاخلاق، ص ۴۱۵؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۳۱ و ج ۹۲، ص ۴۳؛ بغية الطلب فی تاریخ حلب، ۴۲۸۲.

۲. طب الائمة علیهم السلام، ص ۵۶.

۳. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۲.

۴. مهج الدعوات، ص ۹۷ - ۱۰۱.

جدول وضعیت منابع و سند روایات شیعی چشم زخم

ردیف	موضوع روایت	مضمون	قائل	قدیمی ترین منبع شیعی	منبع سنی
۱	حقانیت چشم زخم	چشم زخم مرد را در قبر و شتر را در دیگ می کند	پیامبر(ص)	مکارم الاخلاق بدون سند	الکامل ابن عدی، تاریخ بغداد یا سند
۲	حقانیت چشم زخم	چشم زخم شتر و گاو را در تنور می کند می کند	پیامبر(ص)	بحار الانوار بدون سند	
۳	حقانیت چشم زخم	پیشی گرفتن چشم زخم بر قدر	پیامبر(ص)	مجمع البیان بدون سند	طبری
۴	حقانیت چشم زخم	پیشی گرفتن چشم زخم بر قدر	پیامبر(ص)	ابن ابی جمهور احسائی بدون سند	صحیح مسلم
۵	حقانیت چشم زخم	العین حق تستنزل الحالیق	پیامبر(ص)	مجازات النبویه سید رضی بدون سند	مسند احمد یا سند
۶	حقانیت چشم زخم	چشم زخم و فال حق است و طیره حق نیست	امام علی(ع)	نهج البلاغه بدون سند	
۷	حقانیت چشم زخم	چشم زخم و فال حق است	امام علی(ع) از پیامبر(ص)	الجعفریات یا سند ضعیف قاضی نعمان بدون سند	ابن عساکر
۸	حقانیت چشم زخم	اکثر مردگان به خاطر چشم زخم است. یاد خدا راه درمان و پیشگیری از چشم زخم است.	امام صادق(ع)	طب الکلمه یا سند ضعیف	مجمع الزوائد
۹	حقانیت چشم زخم	حسین(ع) مبتلا به چشم زخم شدند و جبریل تعویذی به پیامبر آموخت	پیامبر(ص)	المجتبی ابن طاووس بدون سند از سمعانی	الادعیة المروية اثر سمعانی ابن عساکر یا سند
۱۰	تعویذ چشم زخم	تعویذ پیامبر(ص) برای حسین(ع)	پیامبر(ص)	کلیلی یا سند ضعیف؛ صدوق یا سند صحیح	مسند احمد
۱۱	نماز درمان چشم زخم	نمازی برای درمان بیماری ها که در آن از چشم به خدا پناه برده شده است	پیامبر(ص)	مکارم الاخلاق بدون سند	کثر العمال
۱۲	جواز رقیه برای چشم زخم	رقیه برای تب، چشم زخم و خونریزی اثر دارد(جایز است)	پیامبر(ص)	خصال یا سند ضعیف؛ جعفریات یا سند؛ قاضی نعمان بدون سند	مستدرک حاکم معجم کبیر طبرانی شهاب الاخبار قاضی فصاحی
۱۳	جواز رقیه برای چشم زخم	رقیه برای چشم زخم و جایز است.	امام صادق(ع)	طب الکلمه(ع) یا سند ضعیف	
۱۴	جولوگیری از چشم زخم	تکبیر گفتن یا تبریک گفتن هنگام مشاهده نعمتهای شگفت انگیز	امام صادق(ع)	طب الکلمه(ع) یا سند ضعیف مکارم الاخلاق بدون سند و با کمی تغییر	طبرانی، المعجم الکبیر
۱۵	جولوگیری از چشم زخم	گفتن «أمنت بالله» هنگام مشاهده نعمتهای شگفت انگیز	امام صادق(ع)	دعائم الاسلام بدون سند	
۱۶	جولوگیری از چشم زخم	گفتن «ما شاء الله» هنگام احساس خطر چشم زخم	امام صادق(ع)	مکارم الاخلاق بدون سند	
۱۷	جولوگیری از چشم زخم	گفتن ذکر و دعای خاص هنگام مشاهده نعمتهای شگفت انگیز	پیامبر(ص)	جوامع الجامع و مجمع البیان طبری بدون سند	احکام القرآن جصاص
۱۸	جولوگیری از چشم زخم	خواندن معوذتین هنگام خروج از منزل یا ظاهر خوب	امام صادق(ع)	مکارم الاخلاق بدون سند	
۱۹	جولوگیری از چشم زخم	رقعه ای برای جولوگیری از چشم زخم به عطر	امام رضا(ه)	هدایه الکبری یا سند ضعیف	
۲۰	جولوگیری از چشم زخم	دستور امام رضا(ع) برای تهیه رقیه ای برای جلودگی، از چشم زخم به عطر	امام رضا(ه)	مکارم الاخلاق طبری بدون سند مهدی زهانت کاف	

۲۱	درمان چشم زخم	خواندن حمد و معوذتین برای درمان چشم زخم	امام صادق(ع) از پیامبر(ص)	طب اللمه(ع) یا سند ضعیف	
۲۲	درمان چشم زخم	خواندن حمد، توحید و معوذتین برای درمان چشم زخم	امام رضا(ه)	مکارم الاخلاق طبرسی بدون سند	
۲۳	تعویذ مصونیت از چشم حسود	آموزش دعا به پیامبر(ص) توسط جبرئیل	پیامبر(ص)	امالی طوسی یا سندی ضعیف	صحیح مسلم مسند احمد
۲۴	درمان چشم زخم	درمان چشم زخم با آیه ان بکاد	حسن بصری	انتساب اشتباه به امام حسن در مصباح کفعمی	انتساب به حسن بصری در منابع اهل سنت
۲۵	جلوگیری از چشم زخم	دعای برای جلوگیری از چشم زخم هنگام حجامت	امام باقر(ع) یا امام صادق(ع)	معانی الاخبار با سند ضعیف طب اللمه(ع)، مکارم الاخلاق و فقه الرضا(ع) بدون سند	
۲۶	درمان چشم زخم	درمان چشم زخم حیوانات	امام کاظم(ع)	طب اللمه(ع) بدون سند	
۲۷	درمان چشم زخم	دعای درمان چشم زخم حیوانات	امام علی(ع)	بحارالانوار بدون سند از کتابی ناشناخته	بخیه الطالب، ابن العدیم، ابن ابی شیبہ از ابن مسعود
۲۸	درمان چشم زخم	درمان چشم زخم حیوانات یا فوت کردن در بینی و خواندن دعای خاص	زراره	مکارم الاخلاق بدون سند	
۲۹	درمان چشم زخم	تعویذ اسب و سوارکار	نامعلوم	امان الاخطار بدون سند و منبع	
۳۰	درمان چشم زخم	درمان چشم زخم با خواندن سوره حمد و نوشتن دعای خاص	نامعلوم	مکارم الاخلاق بدون سند و منبع	
۳۱	درمان چشم زخم	دعای درمان چشم زخم به خط ابن علقمی	امام علی(ع)	مصباح کفعمی	
۳۲	دعای (ع) در صفتین	پناه بر خدا از چشم انسانها	امام علی(ع)	موج الدعوات از کتاب الدعای سعد بدون سند	
۳۳	تعویذی از چشم جن	مصونیت از چشم و سحر و مکر جنیان یا قرأت سوره جن	امام صادق(ع)	ثواب الکمال صدوق یا سند ضعیف	
۳۴	تعویذی برای امام هادی(ع)	پناه بردن به خدا از چشم انس و جن در ضمن دعای تعویذ امام هادی(ع)	امام جواد(ع)	مصباح المنهج با سند ضعیف	
۳۵	حرز ابو دجانه	اشاره به چشم زخم در یخسپایی از حرز	پیامبر(ص)	بحار الانوار از منابع سنی یا سند ضعیف	الموضوعات ابن حوزی
۳۶	تعویذ بیمار	اشاره به چشم جن و انس در یختی از تعویذ	امام صادق(ع)	اصول سته عشر یا سند ضعیف	
۳۷	تعویذ بیمار	اشاره به چشم جن و انس در یختی از تعویذ	امام باقر(ع)	طب اللمه(ع) یا سند ضعیف	
۳۸	نماز درمان لقوه نماز	اشاره به چشم جن و انس در یختی از دعای نماز	امام صادق(ع)	رجال کشی یا سند ضعیف	
۳۹	تعویذ پیامبر از چشم جن و انس	استفاده از معوذتین برای مقابله با چشم جن و انس	پیامبر(ص)	بحارالانوار بدون سند از منابع سنی	بیهقی، شعب الایمان، ذهبی، المغنی
۴۰	نظر برگردان	برگشتن اثر چشم زخم به صاحب چشم بد	نامعلوم	طب اللمه بدون سند	
۴۱	نظر برگردان	برگشتن اثر چشم زخم به صاحب چشم بد	نامعلوم	مکارم الاخلاق بدون سند	بخیه الطالب ابن عدیم

۳. تحلیل و جمع بندی

۱. باور به چشم زخم از باورهای شایع در فرهنگ‌ها و ملل مختلف است. برخی آن را خرافه‌ای دانسته‌اند که در میان اقوام مختلف از پنج قاره جهان رایج است و باورها و اعمال مربوط به آن به هم شباهت دارند. این باور در عصر جاهلی در سرزمین عربستان نیز شایع بود. علاوه بر اعراب جاهلی، یهودیان نیز به چشم زخم باور داشته‌اند.^۱ برخی از مستشرقان بر این باورند که پیامبر ﷺ به چشم زخم اعتقاد داشت و این اعتقاد میراثی از نیاکان عربی او بود که با اقوام سامی دیگر در این باور سهیم بودند.^۲

۱. بازمانده‌هایی از فرهنگ دوره جاهلی در تمدن اسلامی، ص ۹۶.

۲. همان.

۲. روایات مربوط به چشم زخم در منابع اهل سنت به وفور یافت می‌شوند. بخاری،^۱ مسلم،^۲ ابن ماجه^۳ و بسیاری از محدثان متقدم و متأخر روایاتی در این موضوع آورده‌اند.^۴ در کتاب‌های روایات طبّی این موضوع با تفصیل بیشتر به چشم می‌خورد.^۵

۳. محدثان نخستین شیعه اهتمام چندانی به روایات چشم زخم نداشته و باب جداگانه‌ای برای آن اختصاص نداده‌اند. روایات این موضوع در آثار شیخ کلینی، صدوق و طوسی به ندرت و ذیل موضوعات دیگر آمده است. شیخ طوسی روایات این باب را زیاد^۶ و سید رضی آن‌ها را مشهور دانسته که همدیگر را تقویت می‌کنند.^۷ با این وصف، در مصباح المتهجد، کتاب دعای شیخ طوسی، اشاره مستقیمی به چشم زخم نشده است.^۸ در آثار سید رضی نیز تنها دو روایت در این زمینه آمده است که به نظر می‌رسد از منابع اهل سنت گرفته شده‌اند. طب الاثم^۹ نخستین اثری است که در یک باب جداگانه دو تعویذ برای چشم زخم^{۱۰} و در باب دیگری تعویذی برای در امان ماندن حیوانات از چشم زخم گزارش کرده است.^{۱۱} در پایان کتاب نیز دستورالعملی برای برگرداندن اثر چشم زخم به صاحب چشم آورده است.^{۱۲} این روش توسط طبرسی در مکارم الاخلاق و ابن طاووس و دیگران در منابع دعایی دنبال شده است. مجلسی بابی با عنوان «تأثیر السحر والعین و حقیقتهما...» فراهم ساخته و در آن ۳۲ روایت نقل کرده است.^{۱۳} برخی از این روایات مربوط به سحر هستند و ارتباطی با

۱. صحیح البخاری، ج ۷، ص ۲۳-۲۴.

۲. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳-۱۹.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۵۹-۱۱۶۲.

۴. به عنوان نمونه متقی هندی چهارده حدیث در این موضوع نقل کرده است (کنز العمال، ج ۶، ص ۷۴۴-۷۴۶).

۵. الطب النبوی، ص ۱۲۷-۱۳۶.

۶. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۶۷.

۷. المجازات النبویه، ص ۳۶۷-۳۶۹.

۸. در یکی از تعقیبات نماز صبح و بدون سند و منبع دعای «أعیذ نفسی وأهلی و... بکلمات الله التامة، من شر کل شیطان وهامة وکل عین لامة» آمده است (مصباح المتهجد، ص ۲۰۴-۲۰۵) و در ضمن تعویذ منسوب به امام جواد^{علیه السلام} نیز عبارت «و بالله أستجیر... من شیطا طین الإنس و الجن... و عین الجن و الإنس» آمده است (همان، ص ۵۰۰).

۹. طب الاثم^{علیه السلام}، ص ۱۲۱.

۱۰. همان، ص ۱۳۳.

۱۱. همان، ص ۱۴۰.

۱۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱-۲۷.

چشم زخم ندارند. او در مرآة العقول نیز اقوال مختلف درباره چشم زخم را نقل کرده است.^۱

۴. ابوالفضل شیبانی از نخستین افرادی بود که روایات مربوط به چشم زخم را از منابع اهل سنت در میان شیعیان منتشر کرد. این روایات در آثار شیخ طوسی بازتاب یافت. در دوره های بعد، بیشترین تأثیرگذاری در گسترش این روایات از آن طبرسی بود که در مکارم الاخلاق، احادیث مربوط به چشم زخم را از منابع اهل سنت نقل کرد و موجب رواج آن ها در میان شیعیان شد. ابن طاووس و علامه مجلسی نیز این مسیر را پی گرفتند و به ادامه و تثبیت این جریان در آثار خود پرداختند.

۵. در مجموع، ۴۱ روایت و گزارش مربوط به چشم زخم در منابع شیعه نقل شده است. از این میان، ده روایت به حقانیت و اثرگذاری چشم زخم تصریح دارند و ۳۱ مورد دیگر، شامل دعاها و تعویذهایی برای پیشگیری یا درمان چشم زخم هستند، یا دعاهایی اند که در اصل برای موضوع دیگری خوانده می شوند اما در ضمن آن ها به چشم زخم نیز اشاره شده است.

از این مجموعه، نوزده روایت از منابع اهل سنت وارد فرهنگ حدیثی شیعه شده اند یا این که مضمون آن ها در منابع اهل سنت نیز یافت می شود. بیشتر روایاتی که برحق بودن چشم زخم تأکید می کنند و از گستره تأثیر آن سخن می گویند، به پیامبر ﷺ نسبت داده شده و از منابع اهل سنت اخذ شده اند (مانند تهِ روایت ابتدایی جدول). تنها یک مورد استثنا در نهج البلاغه آمده که در هیچ منبع دیگری تکرار نشده است، اما مشابه آن روایت نیز در منابع اهل سنت وجود دارد.

۶. در طب الائمه (ع) - که منبعی کم اعتبار و منتسب به غلات به شمار می رود^۲ - بیش از هفده مرتبه، روایات و گزارش های مربوط به چشم زخم ذکر شده اند که هشت مورد از آن ها برای نخستین بار در این منبع آمده اند و در دوره های بعد، در منابعی مانند مکارم الاخلاق بازنشر شده اند.

طبرسی در مکارم الاخلاق اهمتانی به ذکر منبع و سند روایات ندارد و بهره گیری گسترده ای از منابع اهل سنت داشته است. وی بیش از ۲۲ روایت درباره چشم زخم و راه های درمان آن نقل کرده که هفت روایت از آن ها برای نخستین بار و بدون ذکر سند ارائه شده اند.

۷. هفت مورد از ۴۱ گزارش ارائه شده، به معصومین منتسب نشده است و نمی توان آن ها

۱. مرآة العقول، ج ۱۰، ص ۱۶۵.

۲. درباره این کتاب همچنین رک: «سندسازی های کتاب طب الائمه، منسوب به فرزندان بسطام»، سراسر مقاله.

را حدیث دانست و روایت نامیدن آن‌ها با تسامح صورت گرفته است. هجده روایت بدون سند، پانزده روایت با سند ضعیف و تنها یک روایت با سند صحیح درباره چشم‌زخم گزارش شده است که دلالتش بر چشم‌زخم محل تردید است.

۸. باور به تأثیر خاص چشم و نگاه افراد یا حیوانات، ناظر به اخباری از یک امر خارجی و در محدوده «هست‌ها و نیست‌ها» است؛ از این رو می‌توان درباره آن در حوزه باورها و عقاید سخن گفت. پس از پذیرش این باور، راه‌هایی برای پیشگیری یا دفع اثر آن پیشنهاد شده که این بخش، مربوط به حوزه «بایدها و نبایدها» و در محدوده رفتارهای مکلفین قرار می‌گیرد.

دانش کلام به بررسی «هست‌ها و نیست‌ها» می‌پردازد، اما تنها تا جایی که این امور با باورهای دینی مرتبط باشند. از همین رو، علم کلام خود را موظف به اظهار نظر درباره تمامی پدیده‌ها، قوانین و رویدادهای فیزیکی، جغرافیایی یا شیمیایی جهان نمی‌داند، مگر آن‌که به نحوی با عقاید دینی در ارتباط باشند یا در متون دینی از آن‌ها سخن به میان آمده باشد.

چشم‌زخم فی‌نفسه امری دینی نیست، اما از آن‌جا که در متون دینی نسبت به آن موضع‌گیری شده است، می‌توان آن را در زمره باورهای دینی دانست. بنابراین، بحث درباره آن، از دیدگاه کلامی و دینی قابل بررسی است.

۹. برخی از اندیشمندان، مطلقاً منکر حجیت اخبار آحاد هستند؛ در مقابل، گروهی دیگر حجیت آن‌ها را در مسائل فقهی می‌پذیرند، اما در حوزه عقاید رد می‌کنند. در عین حال، عده‌ای نیز وجود دارند که اخبار آحاد را در تمام حوزه‌ها، اعم از فقه و عقاید، معتبر و حجت می‌دانند.^۱

براین اساس، از دیدگاه گروه اول و دوم، نمی‌توان با استناد به روایاتی که در موضوعاتی مانند «چشم‌زخم» مطرح شده‌اند و از نوع خبر واحد هستند، به چنین مسائلی باور پیدا کرد. حتی از منظر گروه سوم که حجیت خبر واحد را در همه حوزه‌ها می‌پذیرند، هر روایت آحادی به طور مطلق معتبر تلقی نمی‌شود، بلکه برای حجیت آن، معیارها و ملاک‌هایی در نظر گرفته شده است؛ از جمله وثاقت راوی، اتصال سند، نبود معارض قوی و سازگاری با عقل و قرآن.

بیشتر متأخران، صحت سند را شرط اساسی در حجیت خبر واحد دانسته و تنها روایاتی را معتبر می‌دانند که راویان آن‌ها از حیث وثاقت، ضبط و ایمان احراز شده باشند. از نگاه

۱. حجیت اخبار آحاد در اعتقادات، ص ۲۵۴-۲۵۵.

این گروه، روایتی حجت است که از طریق سندی صحیح یا حسن گزارش شده باشد. براین مبنا، اگر با معیار متأخران به روایات مرتبط با چشم زخم بنگریم، خواهیم دید که این روایات سندهای صحیحی ندارند، بلکه از آسیب‌هایی همچون ارسال، حذف در سند، وجود راویان مجهول یا ضعیف، و نیز وجود راویان غیر امامی رنج می‌برند. بنابراین، از دیدگاه متأخران نمی‌توان به این دسته از روایات اعتماد کرد.

در مقابل، متقدمان و گروهی از متأخران، ملاک حجیت را وثوق به صدور روایت می‌دانند، نه صرف صحت سند. از نظر آنان، اطمینان به صدور روایت، با وجود ضعف سند، در صورتی حاصل می‌شود که قرائن و شواهدی معتبر آن را تأیید کنند. این قرائن ممکن است شامل موارد زیر باشد:

ویژگی‌های راویان مانند وثاقت، ایمان، و شهرت در نقل حدیث، ویژگی‌های روایت مانند شهرت روایی و عملی، عدم مخالفت با قرآن و سنت قطعی، موافقت با اصول اسلامی و قواعد عقلی و شرعی، و اتقان و استواری متن حدیث.

بر اساس این دیدگاه، اگر مجموع قرائن موجود اطمینان معقولی نسبت به صدور حدیث از معصوم ایجاد کند، روایت، با سند ضعیف، می‌تواند معتبر شمرده شود.^۱

بر اساس ملاک‌های متقدمان، اگر از مجموع روایات پیش اطمینان به صدور مضمون مشترک این روایات، یعنی حقانیت چشم زخم، حاصل شود، در این صورت می‌توان به آن باور داشت. شواهدی که این نظریه را تقویت می‌کند عبارت‌اند از: روایات چشم زخم در منابع مختلف نقل شده‌اند؛ مضمون مشترک این روایات، یعنی «حقانیت چشم زخم»، با سندهای متعدد نقل شده است و احتمال جعلی بودن همه آن‌ها اندک است؛ انگیزه جعل روایت در این زمینه ضعیف است؛ و با وجود این که چشم زخم در زمره باورهای عمومی در شبه جزیره عربستان بوده است، روایتی مبنی بر بطلان این عقیده به دست ما نرسیده است.

در برابر، می‌توان به مواردی برای تضعیف این شواهد استناد کرد و از نظریه عدم صدور این روایات پشتیبانی کرد. از جمله: قریب به اتفاق روایات چشم زخم بدون سند یا با سند ضعیف نقل شده‌اند و روایت صحیح‌السند در این روایات یافت نمی‌شود؛ بیشتر روایات در منابع غیر قابل اعتماد مانند طب‌الائمه و منابع متأخر مانند مکارم الاخلاق نقل شده‌اند؛ بخش قابل توجهی از روایات از منابع اهل سنت وارد فرهنگ حدیثی شیعه شده‌اند؛ باور به

۱. الرافد فی علم الاصول، ص ۲۴-۲۵.

چشم‌زخم در میان مردمان شبه‌جزیره وجود داشته و چه‌بسا این اقوال و باورها آرام‌آرام به صورت روایت وارد منابع روایی شده است؛ ممکن است اقوال صحابه و تابعان درباره چشم‌زخم که ناشی از فرهنگ عامه بوده، در هنگام نقل توسط راویان بعدی به پیامبر ﷺ منتسب شده باشد.

برخی از دعا‌های مربوط به چشم‌زخم، دعا‌هایی عمومی برای درمان بیماری و رفع گرفتاری بوده است که در موارد خاص، با توجه به باور عمومی درباره چشم‌زخم به عنوان یک آسیب، برای درمان آن بیماری نیز تجویز شده است و نمی‌تواند نشانه‌ای بر پذیرش باور به چشم‌زخم تلقی شود. برخی از روایات نقل شده در زمینه چشم‌زخم، علاوه بر ضعف سندی، از نظر مضمون و محتوا نیز قابل قبول نیستند؛ از جمله روایاتی که سرایت بیماری از شخصی به شخص دیگر را منتفی می‌داند، یا روایاتی که مهم‌ترین عامل مرگ را چشم‌زخم می‌دانند، یا روایات نظریگردان.

با توجه به آنچه گذشت، حکم قطعی به پذیرش روایات چشم‌زخم بر اساس مبنای متأخران نیز دشوار است. در صورت پذیرش مضمون مشترک روایات، یعنی حقانیت چشم‌زخم، این سؤال مطرح می‌شود که آیا چشم‌زخم مورد قبول روایات، همان باورهای پذیرفته‌شده عرب جاهلی است؟ به عبارت دیگر، آیا این باور به همان صورت که در بین عرب جاهلی وجود داشت پذیرفته شده یا اصلاح شده است؟

۴. نتایج

روایات مربوط به چشم‌زخم در منابع حدیثی اهل سنت به وفور یافت می‌شوند و بخشی از آن‌ها به مرور وارد فرهنگ حدیثی شیعه شده‌اند. طب الانمه و مکارم الاخلاق از قدیمی‌ترین منابع حاوی روایات مربوط به چشم‌زخم‌اند که نقش قابل توجهی در گسترش این گونه روایات در منابع شیعی ایفا کرده‌اند.

از میان بیش از چهل گزارش ثبت شده در منابع شیعی درباره چشم‌زخم، هفت مورد به معصومین علیهم‌السلام منتسب نشده‌اند، هجده روایت بدون سند، پانزده روایت با سند ضعیف و تنها یک روایت با سند صحیح به معصومین نسبت داده شده است. البته دلالت همین روایت اخیر بر چشم‌زخم نیز محل تردید است.

با توجه به این شرایط، بر اساس مبنای متأخران، روایات چشم‌زخم حجت نیستند و

نمی‌توان صرفاً بر پایه آن‌ها به این باور پایبند شد. در صورتی می‌توان براساس این روایات حکم به حقانیت چشم زخم داد که:

۱. خبر واحد را در حوزه عقاید نیز حجت بدانیم؛
۲. مبنای متقدمان در حجیت خبر واحد را بپذیریم؛
۳. از صدور روایات این حوزه از معصومین، با توجه به کثرت آن‌ها و شهرت روایی و عملی‌شان، اطمینان حاصل کنیم.

کتابنامه

- احکام القرآن، جصاص، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- الاستذکار، ابن عبد البر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۰م.
- الأمالی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق و تصحیح: مؤسسة البعثة، قم، دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- الأمان من أخطار الاسفار و الزمان، سید بن طاووس، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- بازمانده‌هایی از فرهنگ دوران جاهلی در تمدن اسلامی، ادوارد وسترمارک، مترجم: علی بلوک‌باشی، تهران، فرهنگ جاوید، ۱۳۹۶ش.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی (م ۱۱۰ق)، تحقیق و تصحیح: جمعی از محققان، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- بغية الطلب في تاريخ حلب، عمر بن احمد عقيلي حلبی (ابن العديم)، تحقیق: سهیل زکار، دمشق، ۱۴۰۷ق.
- تاریخ بغداد، خطیب احمد بن علی بغدادی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۵ق.
- التبيان في تفسير القرآن، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: احمد حبيب عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، بی‌تا.
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
- جامع الاخبار او معارج الیقین، محمد بن محمد سبزواری، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۳م.

- الجامع لاحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبي، بيروت، داراحياء التراث العربي، ١٤٠٥ق.
- جنة الأمان (المصباح)، ابراهيم بن علي كفعمي (م ٩٠٥ق)، بيروت، مؤسسه اعلمي، ١٤٠٣ق
- جوامع الجامع، فضل بن حسن طبرسي، تحقيق: ابوالقاسم گرجي، قم، مركز مديريت حوزه علميه، چاپ اول، ١٤١٢ق.
- جواهر الكلام، محمد حسن بن باقر نجفی (صاحب جواهر)، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ش.
- چشم زخم در قرآن، روايات، تاريخ و فرهنگ، علي رضا ملاحسني، قم، بوستان كتاب، ١٣٩٠ش.
- چشم زخم، آلن داندس، ترجمه: معصومه ابراهيمي، تهران، نشر چشمه، ١٣٩٩ش.
- خاتمة المستدرک، ميرزا حسين نوري، قم، آل البيت (ع)، ١٤١٥ق.
- الخصال، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، تصحيح و تعليق: علي اكبر غفاري، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٣٦٢ش.
- دعائم الاسلام، قاضي نعمان مغربي تحقيق: آصف فيضي، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ دوم، ١٣٨٥ق.
- الدعوات (سلوة الحزين)، قطب الدين سعيد بن هبة الله راوندي، قم، مدرسة الإمام المهدي (ع)، ١٤٠٧ق.
- دلائل النبوة، احمد بن حسين بيهقي، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٥ق / ١٩٨٥م.
- رجال الكشي (اختيار معرفة الرجال)، محمد بن عمر كشي، تحقيق: مهدي رجائي، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ١٣٦٣ش.
- رجال النجاشي، احمد بن علي نجاشي، تحقيق: سيد موسى شبيري زنجانى، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ششم، ١٣٦٥ش.
- الرجال، ابن داود، نجف، منشورات مطبعة الحيدريه، ١٣٩٢ق / ١٩٧٢م.
- الرجال، احمد بن حسين غضاثيري، تحقيق: سيد محمد رضا جلالى، قم، دارالحدیث، ١٣٨٠ش.
- الرجال، محمد بن حسن طوسي، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٥ق.
- السنن، ابن ماجه محمد بن يزيد قزوینی، بيروت، دارالفکر، بی تا.

- السنن، محمد بن عیسیٰ ترمذی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ذهبی، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۳ق.
- شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ق)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ق.
- شعب الایمان، احمد بن حسین بیهقی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م.
- صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر للطباعة، ۱۴۰۱ق / ۱۹۸۱م.
- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- طب الانمه ﷺ، عبد الله و حسین ابن بسطام قم، انتشارات رضی، ۱۴۱۱ق.
- الطب النبوی، ابن قیم محمد بن أبی بکر جوزیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- العدة فی اصول الفقه، محمد بن حسن طوسی، قم، تیزهوش، ۱۴۱۷ق / ۱۳۷۶ش.
- عوالی اللالی، ابن ابی جمهور احسائی، قم، بی نا، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- عیون أخبار الرضا ﷺ، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- فقه الرضا ﷺ، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، آل البيت ﷺ، ۱۴۰۶ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- الکامل، عبدالله ابن عدی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- کتابخانه ابن طاووس، اتان کلبرک، ترجمه: سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۳۷۱ش.
- کشف الخفاء، اسماعیل بن محمد عجلونی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- کنز العمال، علی بن حسام الدین متقی هندی، (م ۹۷۵ق)، تصحیح: صفوة السقا، بیروت، مكتبة التراث الإسلامی، ۱۳۹۷ق.
- لسان العرب، ابن منظور محمد بن مکرم، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
- المجازات النبویه، السيد الشریف الرضی، تحقیق: طه محمد الزینی، مكتبة بصیرتی، قم، بی تا.
- المجتبی من الدعاء المجتبی، سید بن طاووس، تحقیق: صفاء الدین صبری، مشهد، بی نا، ۱۴۱۲ق.

- مجمع البيان، امين الاسلام الفضل بن حسن طبرسى، تحقيق: هاشم رسولى و فضل الله يزدي، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نور الدين على بن ابي بكر هيثمى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م.
- مرآة العقول، مجلسى، محمد باقر، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۴۰۴.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسين بن محمد تقى نوري، تحقيق: مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، قم، مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ۱۴۰۸ ق.
- مسند ابي حنيفة، ابو نعيم أحمد بن عبد الله اصبهاني، رياض، مكتبة الكوثر، ۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۴ م.
- المسند، احمد ابن حنبل، بيروت، دارصادر، بى تا.
- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، محمد بن حسن طوسى، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، ۱۴۱۱ ق.
- معانى الأخبار، محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق)، تحقيق و تصحيح: على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- المعجم الكبير، طبرانى، بيروت، داراحياء التراث العربى، بى تا.
- المغنى فى الضعفاء، شمس الدين، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۸ ق/ ۱۹۹۷ م.
- مكارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسى، قم، انتشارات الشريف الرضى، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق/ ۱۳۷۰ ش.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق)، تحقيق: على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۳ ق.
- الموضوعات، عبدالرحمن بن على جوزى، تحقيق: عبدالرحمان محمد بن عثمان، مدينه، محمد عبدالمحسن صاحب المكتبة السلفية بالمدينة المنوره، ۱۳۸۶ ق/ ۱۹۶۶ م.
- مهج الدعوات و منهج العبادات، سيد بن طاوس، بيروت، مؤسسه اعلمى، ۱۴۱۴ ق.
- ميزان الاعتدال، شمس الدين ذهبى، تحقيق: على محمد البجاوى، بيروت، دارالمعرفه، ۱۳۸۲ ش.
- الميزان فى تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبايى، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

- النهاية في غريب الحديث و الاثر، مبارك بن محمد بن اثير، تحقيق: طاهر احمد زاوي، قم، اسماعيليان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
- نهج البلاغة، محمد بن حسين شريف الرضى، تحقيق: صبحي صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
- وسائل الشيعة، محمد بن حسن حر عاملي، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹ق.
- الهداية الكبرى، حسين بن حمدان، بيروت، مؤسسه البلاغ، چاپ چهارم، ۱۹۹۱م.
- «واكاوى مباني نقلی اعتقاد به تأثیر آیه و ان يكاد برای دفع چشم زخم»، اسماعیل اثباتی، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۱۴ (پیاپی ۵۵)، ۱۴۰۲ش، ص ۱۸۱-۲۱۳.
- «بررسی مبانی قرآنی اعتقاد به چشم زخم»، اسماعیل اثباتی، علوم قرآن و حدیث، دوره ۵۵ (پیاپی ۱۱۱)، ۱۴۰۲ش، ص ۹-۳۵.
- «منبع شناسی و اعتبارسنجی دعاهاى طبى»، اسماعیل اثباتی، سراج منیر، دوره ۱۱ (پیاپی ۳۹)، تابستان ۱۳۹۹ش، ص ۹-۳۴.
- «سند سازی های کتاب طب الانمه، منسوب به فرزندان بسطام»، عمید رضا اکبری و محمد کاظم رحمان ستایش، مطالعات فهم حدیث، سال نهم، شماره دوم (پیاپی ۱۸)، بهار و تابستان ۱۴۰۲ش، ص ۱۸۵-۲۱۳.